

## هندسه ی گسیل و جذب تابش

mamwad@mailaps.org

محمد خرمی

گسیل تابش از یک رویه و جذب تابش در یک رویه بررسی میشوند. به ویژه، رابطه ی تابش جذب-شده با هندسه ی رویه‌ها ی گسیلنده و جاذب نسبت به هم بررسی میشود.

### 1 گسیل تابش از یک رویه

توان ی که از یک رویه میتابد، با مساحت آن رویه متناسب است. چگالی ی سطحی ی این توان را با  $I_s$  نشان میدهم. به این ترتیب،

$$dP_s = I_s dS_s, \quad (1)$$

که  $dP_s$  توان تابیده از رویه ای کوچک با مساحت  $dS_s$  است. در حالت کلی،  $I_s$  به جا ی گسیل تابش بسته گی دارد. توان ی که از یک رویه ی کوچک میتابد همسانگرد گسیلیده نمیشود. بخش ی از آن که درون مخروط کوچک ی با زاویه ی فضای ی  $d\Omega$  میتابد با  $d\Omega$  متناسب است:

$$dI_s = L_s d\Omega, \quad (2)$$

که  $L_s$  در حالت کلی به  $n$  (بردار یکه ی) جهت گسیل تابش، و جا ی گسیل تابش بسته گی دارد.  $L_s$  چگالی ی زاویه ای ی چگالی ی سطحی ی توان است. ترکیب (1) و (2) را میشود چنین نوشت.

$$d^2 P_s = L_s d\Omega dS_s. \quad (3)$$

رُشن است که

$$I_s = \int d\Omega L_s. \quad (4)$$

یک شکل ساده ی بسته گی ی  $L_s$  به جهت این است:

$$L_s = \dot{L}_s, \quad (5)$$

که

$$\dot{L}_s = \mathcal{L}_s (n \cdot n_s) \Theta(n \cdot n_s), \quad (6)$$

که  $\mathcal{L}_s$  مستقل از جهت تابش،  $n_s$  بردار یکه ی عمود بر رویه ی (کوچک) گسیلنده (به سو ی بیرون)، و  $\Theta$  تابع پله ی واحد است:

$$\Theta(x) = \begin{cases} 1 & x > 0 \\ 0 & x < 0 \end{cases}. \quad (7)$$

رابطه ی (6) یعنی  $\dot{L}_s$  با کسینوس زاویه ی جهت گسیل با جهت عمود بر رویه متناسب است، اگر این زاویه کمتر از قائمه باشد، و صفر است اگر این زاویه بیشتر از قائمه باشد. این هم ان بسته گی - به جهت ی ست که برا ی خروج ذرات از یک رُزنه به دست میآید (به شرط ی که ذرات درون ظرف همسانگرد حرکت کنند)، و هم ان است که برا ی تابش گرمایی از یک جسم سیاه به دست میآید. وقت ی (5) برقرار باشد، با استفاده از (4) میشود  $\mathcal{L}_s$  را حساب کرد. زاویه با  $n_s$  را با  $\theta$  نشان میدهم. از

$$\begin{aligned} \int d\Omega \cos \theta \Theta(\cos \theta) &= \int_0^{2\pi} d\phi \int_{-1}^1 d(\cos \theta) \cos \theta \Theta(\cos \theta), \\ &= \pi, \end{aligned} \quad (8)$$

و (4) نتیجه میشود

$$\mathcal{L}_s = \frac{I_s}{\pi}. \quad (9)$$

به این ترتیب،

$$\dot{L}_s = \frac{I_s}{\pi} (\mathbf{n} \cdot \mathbf{n}_s) \Theta(\mathbf{n} \cdot \mathbf{n}_s). \quad (10)$$

در حالت کلی که (5) لزوم برقرار نباشد،

$$L_s = \eta_s \dot{L}_s, \quad (11)$$

که  $\eta_s$  تابع جای گسیل تابش و جهت گسیل تابش است. البته انتگرال  $L_s$  بر زاویه فضای با انتگرال  $\dot{L}_s$  بر زاویه فضایی برابر است، و  $L_s$  برای جهتایی که زاویه نشان با  $\mathbf{n}_s$  بیش از قائمه باشد صفر است (تابش ی به سوی درون رویه گسیل نمیشود). به این ترتیب،

$$\int d\Omega \cos \theta \Theta(\cos \theta) = \int d\Omega \cos \theta \Theta(\cos \theta) \eta_s. \quad (12)$$

میانگین (وزندار)  $\eta_s$  برابر یک است.

## 2 جذب تابش بر یک رویه

رویه ی جاذب کوچک ی به مساحت  $dS_o$  سر راه تابش ی ست که از رویه ی کوچک ی به مساحت  $dS_s$  آمده، و کسر  $\alpha_o$  از توان ی که در نبود رویه ی جاذب از آن میگذشت را جذب میکند.  $\alpha_o$  به جای جذب، و جهت تابش گسیلیده بسته گی دارد. زاویه ی فضایی ی این رویه ی جاذب از دید رویه ی گسیلنده را با  $d\Omega_{s \rightarrow o}$  نشان میدهم:

$$d\Omega_{s \rightarrow o} = -\frac{\mathbf{n} \cdot \mathbf{n}_o}{R^2} dS_o, \quad (13)$$

که  $\mathbf{n}_o$  بردار یکه ی عمود بر رویه ی (کوچک) جاذب (به سوی بیرون)، و  $R$  فاصله ی جاذب از گسیلنده است. البته جذب فقط در حالت ی رخ میدهد که زاویه ی جهت گسیل با  $\mathbf{n}_o$  بیش از قائمه باشد. این را میشود در  $\alpha_o$  وارد، یا با یک تابع پله اعمال کرد. راه دوم را به کار میبرم. توان جذب شده را با  $d^2P_o$  نشان میدهم:

$$d^2P_o = \eta_s \alpha_o [(\mathbf{n} \cdot \mathbf{n}_s) \Theta(\mathbf{n} \cdot \mathbf{n}_s)] [(-\mathbf{n} \cdot \mathbf{n}_o) \Theta(-\mathbf{n} \cdot \mathbf{n}_o)] \frac{I_s}{\pi R^2} dS_s dS_o. \quad (14)$$

کل توان ی که بر رویه جذب میشود انتگرال عبارت بالا بر رویه ی گسیلنده است:

$$dP_o = \frac{I_s}{\pi} \left\{ \int_{S_s} \eta_s \alpha_o [(n \cdot n_s) \Theta(n \cdot n_s)] [(-n \cdot n_o) \Theta(-n \cdot n_o)] \frac{dS_s}{R^2} \right\} dS_o,$$

$$=: I_o dS_o, \quad (15)$$

که  $S_s$  رویه ی گسیلنده است. به این ترتیب،

$$I_o = \frac{I_s}{\pi} \left\{ \int_{S_s} \eta_s \alpha_o [(n \cdot n_s) \Theta(n \cdot n_s)] [(-n \cdot n_o) \Theta(-n \cdot n_o)] \frac{dS_s}{R^2} \right\}. \quad (16)$$

دیده میشود  $dP_o$  با مساحت رویه ی (کوچک) جاذب متناسب است، اما با بردار مساحت خطی نیست:

$$\nexists I_o : dP_o = I_o \cdot (-n_o dS_o). \quad (17)$$

حتا اگر  $\alpha_o$  ثابت باشد، ضریب  $(-n_o dS_o)$ ، یعنی بردار مساحت، در طرف راست  $I_o$  از طریق  $\Theta(-n \cdot n_o)$  به  $n_o$  بسته گی دارد.

### 3 گسیل و جذب همسانگرد

گسیل از رویه همسانگرد است، اگر

$$\eta_s = 1. \quad (18)$$

این یعنی توان گسیلیده با تصویر مساحت بر صفحه ی عمود بر جهت گسیل متناسب است. جذب بر رویه همسانگرد است، اگر  $\alpha_o$  ثابت باشد. این هم یعنی توان جذب-شده بر رویه با تصویر مساحت بر صفحه ی عمود بر جهت گسیل متناسب است. یک حالت خاص جذب همسانگرد، جذب کامل است:

$$\alpha_o = 1. \quad (19)$$

در این حالت همه ی توان ی که به رویه ی جاذب میرسد جذب میشود.

وقت ی جذب و گسیل همسانگرد باشند، (16) چنین میشود

$$I_o = \frac{\alpha_o I_s}{\pi} \int_{S_s} [(n \cdot n_s) \Theta(n \cdot n_s)] [(-n \cdot n_o) \Theta(-n \cdot n_o)] \frac{dS_s}{R^2}, \quad (20)$$

یا

$$I_o = \frac{\alpha_o I_s}{\pi} \int_{\mathbb{S}_s} [(-\mathbf{n} \cdot \mathbf{n}_o) \Theta(-\mathbf{n} \cdot \mathbf{n}_o)] d\Omega_s, \quad (21)$$

که  $d\Omega_s$  زاویه فضای رویه کوچک گسیلنده از دید نقطه (رویه کوچک) جاذب است.

### 3.1 جاذب همسانگرد درون یک گسیلنده ی همسانگرد

یک گسیلنده ی همسانگرد در نظر میگیریم که به شکل یک رویه ی بسته است، چنان که این رویه مرز یک ناحیه ی کراندار است و گسیل تابش به درون این ناحیه است. یک جاذب کوچک همسانگرد درون این ناحیه در نظر میگیریم، که بین آن و رویه ی گسیلنده مانع ی نیست. در این صورت بخش ی از رویه ی گسیلنده که تابش آن به جاذب میرسد، مستقل از جای جاذب و بردار  $\mathbf{n}_o$ ، از دید گسیلنده زاویه ی فضای ی  $(2\pi)$  (نیمفضا) دارد.  $(-\mathbf{n})$  را با زاویه ها ی  $(\beta, \gamma)$  مشخص میکنم، که  $\beta$  زاویه ی

$(-\mathbf{n})$  با  $\mathbf{n}_o$ ، و  $\gamma$  زاویه ی سمتی ی  $(-\mathbf{n})$  (نسبت به  $\mathbf{n}_o$ ) است. (21) میشود

$$I_o = \frac{\alpha_o I_s}{\pi} \int_0^{2\pi} d\gamma \int_0^1 d(\cos \beta) \cos \beta, \quad (22)$$

که نتیجه میدهد

$$I_o = \alpha_o I_s. \quad (23)$$

از جمله اگر جذب کامل باشد،

$$I_o = I_s. \quad (24)$$

یعنی توان جذب شده بر مساحت بر رویه ی جاذب، با توان گسیلنده بر مساحت از گسیلنده برابر است.

### 3.2 جاذب همسانگرد کنار یک گسیلنده ی همسانگرد تخت بیپایان

یک گسیلنده ی همسانگرد در نظر میگیریم که به شکل یک رویه ی تخت بیپایان است. یک جاذب کوچک همسانگرد در نظر میگیریم، که در آن طرف گسیلنده است که تابش دریافت میشود، چنان که بین جاذب و رویه ی گسیلنده مانع ی نیست. مختصات دکرتی ی  $(x, y, z)$  را چنان میگیریم که

صفحه ی  $z = 0$  روی گسیلنده باشد، و

$$\mathbf{n}_s = \hat{\mathbf{z}}. \quad (25)$$

نیمه ی مثبت محور  $z$  را هم بر جاذب میگذارم و

$$-\mathbf{n}_o = \hat{\mathbf{z}} \cos \chi + \hat{\mathbf{x}} \sin \chi, \quad (26)$$

که

$$0 \leq \chi \leq \pi. \quad (27)$$

فاصله ی جاذب از گسیلنده را با  $Z$  نشان میدهم. به این ترتیب، متناظر با نقطه ی  $(x, y, 0)$  در گسیلنده،

$$R = (Z^2 + x^2 + y^2)^{1/2}, \quad (28)$$

$$\mathbf{n} = (Z^2 + x^2 + y^2)^{-1/2} (Z \hat{\mathbf{z}} - x \hat{\mathbf{x}} - y \hat{\mathbf{y}}), \quad (29)$$

$$\mathbf{n} \cdot \mathbf{n}_s = (Z^2 + x^2 + y^2)^{-1/2} Z, \quad (30)$$

$$-\mathbf{n} \cdot \mathbf{n}_o = (Z^2 + x^2 + y^2)^{-1/2} (Z \cos \chi - x \sin \chi). \quad (31)$$

پس (20) میشود

$$I_o = \frac{\alpha_o I_s}{\pi} \int_{-\infty}^{\cot \chi} dx \int_{-\infty}^{\infty} dy \frac{Z (Z \cos \chi - x \sin \chi)}{(Z^2 + x^2 + y^2)^2}. \quad (32)$$

به ساده گی (مثلن با مقیاس - کردن  $x$  و  $y$  با  $Z$ ) دیده میشود  $I_o$  به  $Z$  بسته گی ندارد (تا جایی که  $Z$

مثبت بماند). از جمله میشود  $Z$  را یک گرفت. به این ترتیب،

$$\begin{aligned} I_o &= \frac{\alpha_o I_s}{\pi} \int_{-\infty}^{\cot \chi} dx \int_{-\infty}^{\infty} dy \frac{\cos \chi - x \sin \chi}{(1 + x^2 + y^2)^2}, \\ &= \frac{\alpha_o I_s}{\pi} \int_{-\infty}^{\cot \chi} dx \frac{\pi (\cos \chi - x \sin \chi)}{2 (1 + x^2)^{3/2}}, \\ &= \frac{\alpha_o I_s}{\pi} \frac{\pi}{2} (1 + \cos \chi), \end{aligned} \quad (33)$$

یا

$$I_o = \alpha_o I_s \frac{1 + \cos \chi}{2}. \quad (34)$$

حالا یک رویه ی جاذب را در نظر میگیرم (که لزومن کوچک نیست). بخش کوچک ی از

این رویه به مساحت  $dS_o$  را در نظر میگیرم.  $(dS_o) \cos \chi$  تصویر (جبری ی)  $(-n_o dS_o)$

(بردار - مساحت این بخش) در جهت  $n_s$  است:

$$(-n_o dS_o) \cdot n_s = (dS_o) \cos \chi. \quad (35)$$

به این ترتیب، کل توان جذب-شده میشود

$$P_o = \int_{S_o} I_o dS_o, \\ = \frac{\alpha_o I_s}{2} \left\{ \int_{S_o} dS_o + n_s \cdot \left[ \int_{S_o} (-n_o dS_o) \right] \right\}, \quad (36)$$

که  $S_o$  رویه ی جاذب است. از اینجا،

$$P_o = \frac{\alpha_o I_s}{2} (S_o + S_{o\perp}), \quad (37)$$

که  $S_o$  مساحت رویه ی جاذب، و  $S_{o\perp}$  مساحت جبری ی تصویر این رویه بر صفحه ی عمود بر  $n_s$  است، یعنی تصویر بردار مساحت این رویه بر  $n_s$  است. وقت ی بردار مساحت رویه ی جاذب با  $n_s$  همجهت باشد، توان جذب-شده  $(\alpha_o I_s S_o)$  میشود، که شبیه رابطه ی (23) است. وقت ی بردار مساحت رویه ی جاذب با  $(-n_s)$  همجهت باشد، توان جذب-شده صفر میشود.

از جمله، اگر رویه ی جاذب بسته باشد  $S_{o\perp}$  صفر میشود. در این حالت،

$$P_o = \frac{\alpha_o I_s}{2} S_o, \quad (38)$$

که  $S_o$  مساحت رویه ی جاذب است. میانگین توان جذب-شده بر مساحت را با  $\langle I_o \rangle$  نشان میدهم. به این ترتیب،

$$\langle I_o \rangle = \frac{\alpha_o I_s}{2}. \quad (39)$$

از جمله اگر جذب کامل باشد،

$$\langle I_o \rangle = \frac{I_s}{2}. \quad (40)$$

دیده میشود برای یک جاذب همسانگردبه شکل یک رویه ی بسته، میانگین توان جذب-شده بر مساحت وقت ی جاذب کنار یک صفحه ی گسیلنده ی همسانگرد است نصف مقدار متناظر برای حالت ی ست که جاذب درون یک گسیلنده ی همسانگرد است.

یک مثال ساده یک کره ی جاذب همسانگرد در کنار یک گسیلنده ی همسانگرد تخت بیپایان است. از مرکز کره ی جاذب یک صفحه موازی با گسیلنده میگردد، که کره را دُ بخش میکند. یک

بخش به گسیلنده نزدیکتر (و رو به گسیلنده) است، یک بخش از گسیلنده دورتر (و پشت به گسیلنده). بخشهای نزدیک و دور را با، به ترتیب، 1 و 2 برچسب میزنم. دیده میشود

$$S_i = \frac{S_o}{2}, \quad (41)$$

$$S_{1\perp} = \frac{S_o}{4}, \quad (42)$$

$$S_{2\perp} = -\frac{S_o}{4}, \quad (43)$$

و از آنجا،

$$P_1 = \frac{3\alpha_o I_s}{8} S_o, \quad (44)$$

$$P_2 = \frac{\alpha_o I_s}{8} S_o, \quad (45)$$

که نتیجه میدهد

$$\begin{aligned} \langle I_1 \rangle &= \frac{3\alpha_o I_s}{4}, \\ &= \frac{3}{2} \langle I_o \rangle. \end{aligned} \quad (46)$$

$$\begin{aligned} \langle I_2 \rangle &= \frac{\alpha_o I_s}{4}, \\ &= \frac{1}{2} \langle I_o \rangle. \end{aligned} \quad (47)$$

پشت کره هم تابش میگیرد.

#### 4 تابش گرمایی

گسیل تابش از و جذب تابش بر یک جسم سیاه همسانگرد است. جسم سیاه جاذب کامل است. چگالی ی سطحی ی توان گسیلیده از یک جسم سیاه، از رابطه ی شتفان-بُلتسمان [1] به دست میآید:

$$I = \sigma T^4, \quad (48)$$

که  $T$  دما و  $\sigma$  ثابت شتفان-بُلتسمان [1] است. جاذب را همسانگرد میگیرم. فرض میکنم جاذب فقط تابش گرمایی دارد. پس در حالت تعادل توان گرمایی بی که جاذب میگیلید برابر توان ی ست که



جاذب از گسیلنده میگیرد. وقت ی گسیلنده بسته است و جاذب را در بر گرفته، چگالی ی سطحی ی توان ی که جاذب از گسیلنده میگیرد، با استفاده از (48) برای گسیلنده و (23)، میشود

$$I_o = \alpha_o \sigma T_s^4. \quad (49)$$

در حالت تعادل گرمایی دما ی جاذب با دما ی گسیلنده برابر است. پس،

$$I_o = \alpha_o \sigma T_o^4. \quad (50)$$

رابطه ی اخیر به تعادل گرمایی ی گسیلنده و تابش بسته گی ندارد، چون در آن مشخصات گسیلنده ظاهر نمیشود. نتیجه این که برای هر رویه ای که همسانگرد جذب کند، چگالی ی سطحی ی تابش گرمایی چنین است.

$$I = \alpha \sigma T^4. \quad (51)$$

یک گسیلنده ی سیاه در نظر میگیریم که به شکل یک رویه ی تخت بیپایان است. یک جاذب همسانگرد کنار گسیلنده در نظر میگیریم، که در آن طرف گسیلنده است که تابش دریافت میشود. با

استفاده از (39) و (50)، در تعادل گرمایی

$$\frac{\alpha_o I_s}{2} = \alpha_o \sigma T_o^4. \quad (52)$$

از ترکیب این و (48) برای گسیلنده،

$$\frac{T_s^4}{2} = T_o^4. \quad (53)$$

## 5 پانوشتها

[1] Stefan-Boltzmann